



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

اصول الفقه (اجتماع امر و نهی)

اجتماع امر و نهی (نظر مصنف) ۳

جلسه ۲۵۳

استاد نجار زاده

توضیح مسئله سوم:

برای تبیین این مسئله می‌توان به این مثال توجه نمود: الحرف لا یخبر عنه (از حرف نمی‌توان خبر داد). در این جمله، عنوان «الحرف» اسم بوده فلذا از آن می‌توان خبر داد و چگونه می‌توان آن را اسم ندانست در حالیکه جمله «لا یخبر عنه» خبر از آن می‌باشد. و باید توجه داشت که از «الحرف» به اعتبار اینکه فانی در معنوی است می‌توان جمله «لا یخبر عنه» را خبر آورد؛ چه آنکه این خصوصیت (مخبر عنه واقع نشدن)، صرفاً برای معنوی می‌باشد نه عنوان؛ ولی در عین حال معنوی، یعنی حرف حقیقی را موضوع برای حکم، اولاً و بالذات قرار نمی‌دهد؛ زیرا حرف حقیقی محال است موضوع برای حکم واقع شده و طرف نسبت یعنی مخبر عنه قرار گیرد ولو به وساطت چیزی دیگر و چگونه بتوان حرف حقیقی را طرف نسبت قرار داد و حال آنکه حقیقت حرف نسبت و ربط می‌باشد و خاصیت امر ربطی آن است که از آن نمی‌توان اخبار نمود.

بنابراین، مخبر عنه اولاً و بالذات همان عنوان حرف بوده ولی نه به ملاحظه آنکه مفهوم موجود در ذهن است زیرا به این اعتبار نمی‌توان از آن خبر داد؛ بلکه به لحاظ فانی بودنش در معنوی و حکایت کردنش از آن، این امر صورت می‌گیرد؛ پس آنچه مصحح اخبار از حرف است فانی بودن عنوان «الحرف» است در معنوی؛ یعنی حرف حقیقی، پس حرف حقیقی یعنی معنوی ثانیاً و بالعرض مخبر عنه می‌باشد؛ اگرچه غرض و مقصود از حکم، صرفاً قائم به مفنی فیه یعنی حرف حقیقی می‌باشد.

و بنابراین تقریر به خوبی روشن شد که چگونه این ادعاء که حکم، اولاً و بالذات از عنوان به معنوی سرایت می‌کند منشأش غفلت و عدم فرق بین چیزی که مصحح حکم بر موضوع بوده و بین آن چیزی که نفس موضوع برای حکم است، می‌باشد، پس مصحح برای حکم امری است و محکوم علیه و آنچه موضوع قرار داده شده امری دیگر می‌باشد.